

# زندگی، شخصیت و مکتب صدرالمتألهین

□ استاد سید محمد خامنه‌ای

## قسمت بیست و یکم

الاخوان السالكون الى الله بنور العرفان... خذوا عني مناسك طريقتي... وهي ليست من المجادلات الكلامية ولا من التقليدات العامية ولا من الفلسفة البحيثة المذمومة ولا من التخيلات الصوفية».

همچنین به نظر می‌رسد که مخاطب وی شاگردان او در قم بوده‌اند، چنانکه این عبارت کتاب اشاره دارد: «ولقد قدمت اليكم، يا اخواني، في كتيب و رسائل من انوار الحكم... مقدمات ذوات فضائل جمه...».

دیگر آنکه بگفته هانری کوربن، مؤلف به وعده خود در تقسیم‌بندی اول کتاب عمل نکرده و این می‌تواند نشانه شتابزدگی وی برای پایان بردن کتاب باشد که بیشتر مناسب آغاز سفر از قم به شیراز است.

در الذریعه (۳۷/۲۱) نقل شده است که این کتاب را در یکی از سفرهای خود به حج در بصره تألیف نموده. این احتمال قابل قبولی است و اجمال و قرائن دیگر می‌توانند مؤید این موضوع باشند.

### زاد المسافر

ملاصدرا رساله‌ای مستقل درباره اثبات معاد جسمانی بروش خود نگاشته که در مقدمه آن بیان نموده است که این رساله کوتاه را در مسئله معاد جسمانی بنگارش در آورده‌ام، از اینرو مناسب است اگر نام آنرا «معاد جسمانی» بگذاریم ولی این رساله بنامهای زادالسالك و تحقیق المعاد و بیشتر بنام زاد المسافر معروف است.

تألیف این رساله پس از تألیف و پایان کتاب اسفار بوده است زیرا در مقدمه این رساله به «کتبنا العقلية سيما

1. Ontology.

2. Corbin Henri.

۳. نگاه کنید به کتابشناسی جامع ملاصدرا - از انتشارات بنیاد حکمت اسلامی صدرا، صص ۲۱۷ - ۲۲۸.

۴. نیز صفحه ۳ و صفحات ۱۰۲، همان کتاب (چاپ سنگی).

۵. از جمله در صفحات ۹۳، ۹۲، ۹۱، ۹۰، ۸۹، ۸۸، ۸۳ بیعد ۱۰۵، ۱۰۲، ۹۸.

## المشاعر الالهية

این کتاب کوچک، یکی از بهترین آثار فلسفی ملاصدراست که در موضوع وجود و وجودشناسی نوشته است. برای برخی از نویسندگان غربی که گمان می‌کنند ملاصدرا یک متکلم است و مباحثی در باب وجودشناسی (انتولوژی<sup>۱</sup>) ندارد، این کتاب پاسخ مناسبی است. خوشبختانه این کتاب بوسیله پرفسور هانری کوربن<sup>۲</sup> بزبان فرانسه ترجمه شده و مقدمه‌ای مبسوط نیز بر آن نگاشته است.

این کتاب هم از طرف موافقان و هم مخالفان ملاصدرا شرح و تفسیر شده است (حدود سیزده شرح)<sup>۳</sup>. از ویژگیهای این کتاب، یکی آنستکه وی بر خلاف شیوه متعارف از کتب دیگر خود نام نبرده مگر بطور کلی، از جمله، با عبارت: «وقد بسطنا القول المشيع في سائر صحفنا بما لامزيد عليه»<sup>۴</sup>، دیگر آنکه برخلاف روش خود، در این کتاب، بسیار اندک از آیات قرآنی و حدیث، بهره‌استدلالی برده است<sup>۵</sup>.

دیگر آنکه در بحث از اتحاد وجود عاقل و معقول می‌گوید: «ببرهان فائض علينا من عندالله» و در حاشیه همین مطلب در نسخه چاپ سنگی آمده است که تاریخ این افاضه سال ۱۰۳۷ هـ (۵۸ سالگی مؤلف) بوده است. درباره سال نگارش آن، چون از حاشیه مذکور برمی‌آید که پس از تاریخ ۱۰۳۷ هـ نگاشته شده، بنابراین به دهه آخر عمر او بر می‌گردد (مگر آنکه حاشیه را بعدها بر آن اضافه کرده باشند) و از مجموع قرائن می‌توان نتیجه گرفت که آنرا برای شاگردان خود در قم و در آستانه ترک آن شهر و عزیمت به شیراز نوشته باشد (پیش از سال ۱۰۳۹). در این کتاب، خطاب وی به شاگردان و دوستان است نه فلاسفه و متکلمین، زیرا در مقدمه آن می‌گوید: «ایها

الاسفار الاربعة»<sup>۶</sup> اشاره می‌کند و بر اساس بررسی در تاریخ تألیف اسفار و اینکه جلد نهم آن در دهه آخر عمر وی بوده، بنظر می‌رسد که تألیف این رساله در شیراز انجام شده است و بسا از کوتاهی آن بتوان نتیجه گرفت که در یکی از سفرهای خود آنرا برای کسی نوشته که از «طالبین» فلسفه بوده، چنانکه خود وی در مقدمه آورده است: «تکتفی ههنا بذکرها علی سبیل الحکایة تشویقاً لقلوب الطالبین و انعطاش السالکین...».

همچنین از تعبیر او: «قد صرفت شطراً صالحاً من عمری و امدأ مدیداً من دهری فی الارتیاض بالفکر الدقیق و النظر العمیق... حتی استقام الامر و جاء الحق...» که بر مسئله اثبات فلسفی معاد جسمانی دلالت دارد و آنرا در اواخر عمر خود و در سنین پیری بیان برده است، می‌توان بدست آورد که تاریخ نگارش آن به زمان اقامت دوم او در شیراز بر می‌گردد و الله‌اعلم.

#### المسائل القدسیة و القواعد الملکوتیة

رساله یا کتاب کوچکی است دربارهٔ چند مسئله مهم فلسفه، مانند وجود و حقیقت خارجی آن و مباحثی دربارهٔ ذات واجب الوجود و بحث مفصل دربارهٔ وجود در ذهن و نیز مطالبی دربارهٔ نفس، مباحثی که در اسفار و کتب فلسفی دیگر او بارها بحث شده است.

صدرالمتألهین در مقدمه زیبای آن روشن می‌سازد که مطالب این کتاب تماماً مشاهدات باطنی و «واردات کشفی» اوست، حقایقی که در حالت خلع بدن از نفس و بمدد رهایی و روشنی آن بدست آمده و بحثهایی مدرسی و حرفه‌ای نیست و بتعبیری با علم عادی حاصل نشده و بحضور و مشاهده دریافت گردیده است. عبارت وی چنین است:

فهذه مسائل قدسیة و قواعد ملکوتیة... انما هی من الواردات الکشفیة علی قلب اقل العباد - محمد بن ابراهیم القوامی الشیرازی - عند انقطاعه عن الحواس و المواد و انسلاخ نفسه عن البدن العنصری... و ترقیه من مراتب العقول و النفوس الی اقصى الغایات... حتی اتحد بالعقل الفعال... بعد تکرر الاتصالات و تعدد المشاهدات...

در این رساله اعتراف نموده که برای پنهانسازی ارتباط روحی و معنوی با عقل فعال و کشف و شهود واضح این حقایق فلسفی بدیده دل، در کتب دیگرش این مسائل را در لابلای مباحث دیگر فلسفی آورده تا چشم نامحرم فیلسوفان نامتأله و بیگانه از کشف و شهود بر آن نیفتد و ذائقه‌شان از لذت آن محروم بماند. این رساله برای آن بنگارش درآمده که لب حکمت الهی و مغز مسائل ربوبی

در دسترس اهل و مستحق آن قرار گیرد.

از این عبارت می‌توان دریافت که آنرا برای چند تن از خواص خود نوشته است. وی در پایان رساله، تفصیل مطالب را به «کتابنا الکیب» خود (که بشهادت تکرار نام اسفار در بحث تخصیص وجود همان رساله اسفار است) حواله کرده و پیداست که آنرا پس از اسفار و حتی پس از پایان آن نوشته است (که گفتیم در دههٔ آخر عمر او بوده است) زیرا مباحث نفس اسفار بنا بر استنباط، مربوط به همان دهه می‌باشد.

نکته‌ای که در اینجا قابل ذکر است مطلبی است که مصحح محترم چاپ اخیر آن<sup>۷</sup> آورده که کلمه «الحکمة المستعالیة» که ملاصدرا در شواهد الربوبیة آورده و گفته «بسطنا القول فیها فی الاسفار الاربعة بسطاً کثیراً ثم فی الحکمة المتعالیة بسطاً متوسطاً...»، اشاره به همین رساله است و در اینباره توضیحاتی داده است، که خلاف آنرا پیش از این ثابت کردیم، زیرا حکمت متعالیه نامی بوده که ملاصدرا به کتاب مبدأ و معاد خود داده است و زمانش بسیار جلوتر از زمان تألیف این رساله می‌باشد، از سوی دیگر حجم اندک این رساله هم با «بسطاً متوسطاً» نمی‌سازد.<sup>۸</sup>

#### قضا و قدر

رساله یا کتاب کوچکی است که در آن به شرح معنای قضا و قدر در کتب حکمت متعالیه پرداخته و ثابت کرده که «جهان ممکن»، همان نظام احسن منحصر به وضع موجود است و سراسر خیر؛ و حکمت شرور و کائنات را نیز بیان داشته است؛ پیرامون اختیار و اراده در انسان نیز مباحثی را بمیان آورده و سرانجام به شرح تأثیر تکوینی دعا پرداخته است.

مطالب این رساله در اسفار نیز دیده می‌شود و خود وی در این رساله به اسفار اشاره نموده است.<sup>۹</sup> از مقدمه کتاب بر می‌آید که عده‌ای از شاگردان مخصوص او که اهل ذوق و سلوک بوده‌اند از وی رساله‌ای فشرده و جامع را خواسته‌اند و وی آنرا برای آنها بنگارش در آورده است. محتمل است که درخواست ملازمان و تصنیف رساله، مربوط به دورهٔ اقامت در قم و طی یکی از سفرهای او باشد، از آنرو که دسترسی به کتاب اسفار وی نداشته‌اند. مباحث قضا و قدر در اسفار (ج ۶) مربوط به زمان حیات

۶. و نیز در آخر رساله.

۷. استاد جلال‌الدین آشتیانی، چاپ دانشگاه مشهد.

۸. حاشیه حکیم ملا علی نوری در هامش مبدأ و معاد ملاصدرا نیز دلالتی دارد بر اینکه الحکمة المتعالیة نام دیگر کتاب مبدأ و معاد است.

۹. ص ۱۸۷، چاپ سنگی، تسع رسائل.

میرداماد (پیش از سال ۱۰۴۱) است.

### خلق الاعمال

رساله کوچکی است که درباره جبر و اختیار انسان نوشته شده و بیشتر نظر به آراء متکلمان معتزلی و اشعری دارد و مقدمه آن با جمله: «سبحان من تنزه عن الفحشاء» و «لایجری فی ملکه الا ما یشاء» آمده است که جمله نخست از قاضی عبدالجبار معتزلی و جمله دوم از ابواسحاق اسفراینی اشعری است.<sup>۱۰</sup>

وی در این رساله لب عقیده خود را پنهان نگهداشته و مسئله را بطریقه مشهور متکلمین شیعه بیان کرده است. از آخر رساله و گله او از جهل معاصران و اهل زمان برمی آید که آنرا در سفر اول خود و در شیراز نوشته باشد.

### فی التشنّص

رساله‌ای است درباره تشنّص یعنی مشخصات وجودی ممیزه که فردیت فرد را بدست می‌دهد و ملاصدرا آنرا مرادف وجود خارجی اشیاء می‌داند. قصد وی از این رساله، پاسخ به آراء مخالف بوده است نه بدرخواست کسی، و در آن از نام کتب دیگرش خبری نیست، از اینرو بنظر می‌آید که مربوط به سالهای پیش از ۱۰۲۰ باشد.

### اتصاف الماهیه

### بالموجود

رساله‌ای است درباره رابطه وجود و ماهیت و پاسخ این شبهه که اتصاف ماهیت به وجود، نشانه تحصیل ماهیت قبل از وجود است (بنابر قاعده فرعیه). انتساب این رساله به ملاصدرا قطعی است، هم بلحاظ مضمون و مطلب و هم تصریح به کتاب اسفار در آن. چون مباحث وجود و ماهیت اسفار پیش از سال ۱۰۲۰ نوشته شده، بنابراین، تاریخ آن مربوط به دهه‌های بعد است. از لحن و شتابزدگی در دیباچه رساله و کوتاهی آن (حدود ۱۰ صفحه) بنظر می‌آید که آنرا با شتاب و در پاسخ به درخواست یکی از فضلاء زمان و شاید طی یکی از سفرها نگاشته و بیشتر به آثار سالهای اواسط اقامت در قم می‌ماند.

### رساله در اصالت وجود

رساله‌ای است درباره اصالت وجود و اثبات آنکه آفرینش و جعل، اصالتاً به وجود متعلق است نه ماهیت. در این رساله، نام مؤلف تصریح شده و مطالب آن شبیه

کتاب المشاعر اوست و پایان آن ناتمام بنظر می‌رسد. محتمل است که پیش از کتاب المشاعر و پس از کتب مهمی مانند اسفار، مبدأ و معاد و الشواهد الربوبیه نوشته شده باشد زیرا در مقدمه با جمله: «وقد بسطت القول فیه فی سائر کتبنا» به این کتب اشاره دارد که مبحث وجود را بتفصیل بیان نموده است.

بدینگونه می‌توان آنرا مربوط به دهه‌های اقامت در قم دانست و شکل رساله می‌تواند قرینه باشد بر اینکه آنرا بضرورت و در سفر نوشته است.

### حاشیه بر تجرید الکلام

نام این اثر در هیچیک از فهرستها نیامده ولی خود ملاصدرا بمناسبت بحثی درباره اصالت وجود، در تفسیر خود بر سوره فاتحه الکتاب می‌گوید: «ولهذا الکلام زیاده

تحقیق مذکور فی حواشی

التجرید...» که بظاهر، کتاب حاشیه از خود وی است اگر مقصود او، حواشی دیگران بر تجرید نباشد.

### گلچین معروف به جنگ

مجموعه‌ای است شامل شعر، نثر و مطالب عرفانی و ذوقی و مانند آن، که گویا یادگار دوران نوجوانی و جوانی اوست و میتواند اطلاعات گسترده و ذوق وافر و باور عمیق دینی و شخصیت دوران جوانی او را نشان دهد.

• حکمت متعالیه نامی بوده که ملاصدرا به کتاب مبدأ و معاد خود داده است.

• به شرح معنای قضا و قدر در کتب حکمت متعالیه پرداخته و ثابت کرده که «جهان ممکن»، همان نظام احسن منحصر به وضع موجود است.

• المشاعر الالهیه، یکی از بهترین آثار فلسفی ملاصدراست که در موضوع وجود و وجودشناسی نوشته است.

### مثنوی

از ملاصدرا دیوانی جامع باقی نمانده، آنچه در دست است ابیاتی در وزن مثنوی است. رباعیاتی نیز از وی نقل گردیده است.

### یادداشتها

مجموعه‌ای شامل یادداشت‌های متفرقه فلسفی و علمی و غیر آن از وی یافت شده که همراه با فهرست کتب او، «احتمالاً مربوط به دوران طلبگی» اخیراً به چاپ رسیده است. چون در جایی از آن به کتاب مبدأ و معاد او اشاره

۱۰. اشاره به واقعه‌ای است معروف که روزی عبدالجبار به مجلس صاحب بن عباد وارد شد و چون دید اسفراینی (که معتقد به جبر بوده است) در آنجا نشسته، می‌گوید «سبحان من تنزه عن الفحشاء»، زیرا که بنابر مذهب جبر همه اعمال بشر حتی فحشاء، منسوب به خداوند سبحانه است. و اسفراینی فی البداهه پاسخ می‌دهد که «سبحان من لایجری فی ملکه الا ما یشاء» زیرا که بنا بر مذهب اختیار، بشر نیز اختیاردار جهان خواهد بود.

شده که در سال ۱۰۱۹ تألیف گردیده، روشن می‌شود که مربوط به سنین بالاتر از چهل سالگی اوست و احتمالاً یادداشتهای حین سفرش می‌باشد.<sup>۱۱</sup>

### نامه‌های ملاصدرا

از این حکیم فقط چند نامه به استادش میرداماد باقی مانده که قاعدتاً جزء ترکه میرداماد به فرزندان او رسیده و در حوادث فاجعه‌آمیز و «مغول‌وار» فتنه محمود و اشرف افغان و انقراض صفویه از بین نرفته است.

درباره این چند نامه بتفصیل در جلد اول زندگی و شخصیت و مکتب ملاصدرا بحث کرده‌ایم.<sup>۱۲</sup>

جز آنچه گذشت رساله‌های دیگری نیز به این حکیم گرانمایه نسبت داده شده که برخی مشهور است و در بیشتر فهرستها آمده است. این آثار از این قرارند:

۱- شواهد الربوبية - رساله کوچکی است که با کتاب الشواهد الربوبية وی فرق دارد و در آن، مبانی و مسائل و آراء خاص خود را که بسا فهرست مکاشفات او باشد تا یکصد و هشتاد نکته برشمرده است.

۲- حاشیه بر رواشح میرداماد - گفته می‌شود که نسخه‌ای از آن در کتابخانه مؤلف روضات الجنات دیده شده است. اصل کتاب درباره شرح احادیث رسیده از طریق امامان شیعه (ع) است.

۳- لمية اختصاص المنطقة البروج بموضع من الفلك - ملاصدرا استدلال خاصی درباره خصوصیت منطقه البروج در وضعی خاص آن در فلک دارد که در الشواهد الربوبية نیز پیرامون آن بحث کرده است ولی در آنجا اشاره‌ای به این رساله نیست. ممکن است تألیف آن به دهه سوم (قرن یازدهم هجری) برگردد.<sup>۱۳</sup>

۴- دیباچه عرش التقدیس - یادداشت یا بقول معروف، دیباچه‌ای است در حدود یک صفحه که بنام وی باقی مانده و گفته می‌شود بر کتاب استاد خود، میرداماد نوشته است و محتمل است در ظهر کتاب مذکور نوشته باشد.

۵- خلسه مسلکوتیه - یادداشتی است که از یکی از خلسه‌های شیرین خود باقی گذاشته و فرزندش ابراهیم آنرا ضبط نموده است.

۶- فی المزاج - رساله‌ای است درباره حقیقت مزاج در انسان. این بحث در اسفار (ج ۵) نیز آمده ولی در رساله اشاره‌ای به آن نشده و ظاهراً مربوط به ایام اقامت در قم می‌باشد.

\*\*\*

کتابچه‌ها و رساله‌های دیگری نیز به وی نسبت داده شده که برخی مسلماً از وی نیست و برخی دیگر دلیل واضحی ندارد از جمله:

۱- حشریه یا رساله فی المعاد - <sup>۱۴</sup> رساله‌ای بنام حشریه نیز به ملاصدرا منسوب است که اوضاع پس از

مرگ انسان را از قبر گرفته تا روز حشر و کیفر و پاداش بیان می‌کند؛ با بخشی از «فصل پنجم جلد نهم» اسفار آغاز شده و قطعه قطعه منتخباتی از باب قضایای بعد از موت از کتب ملاصدرا در آن دیده می‌شود که ممکن است بوسیله خود مؤلف یا یکی از شاگردانش فراهم شده باشد. از آنجا که این رساله چون بر خلاف روش صدرالمتألهین، دیباچه و مقدمه و ذکر نام مؤلف و خاتمه مناسب ندارد و هیچیک از فهرست نویسان آثار وی نیز نامی از آن نبرده‌اند، بنظر می‌رسد که از خود وی نباشد.

۲- الالواح العمدایه - این کتاب را ابو عبدالله زنجانی به ملاصدرا نسبت داده ولی در هیچیک از فهرستها نام برده نشده است.<sup>۱۵</sup>

۳- گسوه‌ی یگانه - رساله‌ای فارسی است که گویا از فرزندان ملاصدرا باشد.

۴- جسذر أصم - که در برخی نسخ بنام «مغالطه کلامی...» آمده<sup>۱۶</sup>، درباره مسئله پارادوکس دروغگوست و گویا از صدرالدین دشتکی می‌باشد.

۵- الرسالة القدسیة فی اسرار النقطة الحسیة - این رساله از میر سید علی همدانی است.

۶- حاشیه طبیعیات شفا - گفته می‌شود که بخشی از محاکمات قطب الدین رازی است.<sup>۱۷</sup>

۷- حاشیه بر شمسیه - گویا از صدرالدین دشتکی شیرازی است.<sup>۱۸</sup>

۸- رساله الوجود - برغم انتساب به ملاصدرا در برخی فهرستها گفته می‌شود همان رساله الفیصل بین التفرقة و الزندقه محمد غزالی است.<sup>۱۹</sup>

۹- حركة جوهرية - برخی آنرا از ملاصدرا دانسته‌اند<sup>۲۰</sup> ولی مؤیدی یافت نشد و این رساله، معروف نیست و در فهرستها معتبر نیامده است.

۱۰- فی الامامة - در کتابشناسی جامع ملاصدرا، «بندی

۱۱. این رساله بهمت محمد برکت و مرحوم آقا مجدالدین محلاتی فراهم و چاپ شده است.

۱۲. جلد اول، ص ۱۰۹، بعد.

۱۳. این رساله همراه با «اجوبه»‌های حکیم در بنیاد حکمت اسلامی صدرا تصحیح انتفادی شده و به چاپ رسیده است.

۱۴. باقری، کتابشناسی جامع ملاصدرا، ص ۳۲۴، انتشارات بنیاد حکمت اسلامی صدرا.

۱۵. زنجانی، الفیلسوف الکبیر الایرانی، ص ۲۴، چاپ بنیاد حکمت اسلامی صدرا، (ردیف ۲۶ فهرست اسامی کتب).

۱۶. باقری، کتابشناسی جامع ملاصدرا، ص ۳۲۹.

۱۷. مقدمه حامد ناجی، مجموعه رسائل ملاصدرا، ص ۱۷.

۱۸. همان، ۱۹.

۲۰. زنجانی، الفیلسوف الکبیر الفارسی، ص ۲۴، ردیف ۲۰.



در امامت آمده است و صحت این انتساب روشن نیست.<sup>۲۱</sup>  
۱۱- خطبة البيان - این رساله نیز در جایی به وی نسبت داده شده ولی مسلم نیست.<sup>۲۲</sup>

۱۲- فی تحقیق الکلیات - نثر این رساله به نثر ملاصدرا شباهتی ندارد و رأی مذکور درباره «وجود کلی در خارج» با رأی ملاصدرا در اینباره مخالف است.<sup>۲۳</sup>

۱۳- (تحقیق الخلافة الكبرى) بپراهمین عقلیه - رساله کوچکی است که شباهتی به آثار ملاصدرا ندارد و به نام خود وی یا کتبش در آن اشاره نشده و انتساب محقق نیست.<sup>۲۴</sup>

۱۴- سریان نور وجود - رساله کوچک سریان نور وجود الحق فی الموجودات و سز معیته، نوشته‌ای فلسفی - عرفانی است که مؤلف بتقاضای یکی از دوستان و همپایگان خود نوشته؛ بتعبیر خود وی، دوستی که حسب «شریعت و داده»، انجام خواهشش واجب بوده است. در این رساله ثابت شده که وجود حقیقی (وجود حق)، واحد و مشخص است و ممکنات همگی اظلال آن می‌باشند. وی در این رساله از دوانی و عین القضاة و مکرراً از غزالی نام برده و نقل قول کرده است، و این سبک به دوره اول تحقیق و تألیف او بیشباهت نیست خصوصاً آنکه به اسفار و کتب دیگرش - جز یک رساله که از آن به «فی بعض الرسائل» تعبیر کرده - اشاره‌ای ندارد.

استاد آشتیانی درباره این رساله نوشته است: «این رساله را بعضی از محقق فیض دانسته‌اند ولی حق آنستکه از فیض نمی‌باشد چون فیض هیچوقت قائل به اصالت ماهیت نبوده است و این رساله بطریقه ذوق التأله نوشته شده و صدرالمتألهین در این رساله مبنای محقق دوانی را تمام دانسته است. معلوم می‌شود آخوند این رساله را در اوائل جوانی که قائل به اصالت ماهیت بوده نوشته است.»<sup>۲۵</sup> «در پاره‌ای از نسخ همچون رضوی ش ۵۹۹، غرب همدان شماره ۴۷۵۲، ملک ش ۱۱۷۶ و سپهسالار، این اثر از نظام الدین احمد دشتکی (م - ۱۰۸۵) - از شاگردان میرداماد - دانسته شده است.»<sup>۲۶</sup>

پاره‌ای از رساله‌های منسوب به ملاصدرا بنظر می‌رسد که نوشته خود او نیست ولی برگرفته از کتب اوست:

۱ - الفاظ مفردة: این رساله به ملاصدرا نسبت داده شده ولی برگرفته از کتاب مفاتیح الغیب (مفتاح اول) است.<sup>۲۷</sup>

۲ - تفسیر آیه امانت: این رساله که بنام «تحقیق الحقایق المکنونة فی آیه الامانة» آمده<sup>۲۸</sup> در تفسیر آیه: «انا عرضنا الامانة علی السماوات و الارض...»<sup>۲۹</sup> می‌باشد. در مقدمه رساله آمده است: «هذه رسالة لصدر الافاضل فی...»، این رساله، مأخوذ و همان قاعده از «المشهد الرابع فی النبوة» کتاب اسرار الایات است.

۳ - تفسیر آیه تری الجبال: این رساله در تفسیر آیه:

«وترى الجبال تحسبها جامدة و هی تمرّ سز السحاب...» است که در اسفار (مبحث حرکت جوهری<sup>۳۰</sup>) به آن اشاره شده، ولی مؤیدی بر صحت این انتساب دیده نشد، ممکن است متعلق به علمای پس از وی یا از شاگردانش باشد.  
۴ - شرح حدیث الناس ینام: حدیث از امیر المؤمنین امام علی(ع) روایت شده که «الناس ینام، فاذا ماتوا اتبھوا» (مردم در خوابند و پس از مرگ هشیار خواهند شد). ملاصدرا در تفسیر خود بمناسبتی به این حدیث اشاره کرده<sup>۳۱</sup> و بعید نیست رساله‌ای در این باب نوشته باشد ولی بیشتر محتمل است که تقریرات درس وی بوده که بوسیله یکی از شاگردانش بنگارش درآمده است.

۵ - شرح حدیث «الناس معادن الذهب والفضة...» (مردم مانند معادن طلا و نقره هستند...)، رساله‌ای در شرح این حدیث به ملاصدرا نسبت داده شده که مانند شرح حدیث پیشین مسلم نیست. ملاصدرا در تفسیر خود بمناسبتی<sup>۳۲</sup> به این حدیث اشاره کرده است.

۶ - شرح حدیث «خلق الارواح...»: ملاصدرا در کتب خود در مباحث مربوط به نفس، به حدیث «خلق الارواح قبل الابدان...» اشاره‌ای کرده و شرحی نموده، و گفته که رساله‌ای در این موضوع دارد، ولی انتساب این رساله نیز مانند دو رساله منسوب پیشین ثابت نشده است.

۷ - شرح حدیث «کنت کنزاً مخفياً»: رساله‌ای است که در تفسیر حدیث: «کنت کنزاً مخفياً فاحببت ان اعرف فخلقت الخلق لکی اعراف» نگاشته شده و چون در برخی نسخ از کتابهای اسفار و شواهد الربوبیه نام برده شده، گمان رفته است که از ملاصدرا باشد. وی در مباحث ماهیت اسفار (فصل ۲۴، المرحلة الخامسة) و برخی کتب دیگرش به این حدیث اشاره‌ای دارد.

چند رساله یا مقاله دیگر هم به ملاصدرا نسبت داده‌اند که شهرتی ندارند و قریب به یقین از وی نیست.<sup>۳۳</sup>

\*\*\*

۲۱. ص ۳۱۴، از انتشارات بنیاد حکمت اسلامی صدر.

۲۲. الذریعه، ج ۲، ص ۳۳۲.

۲۳. کتابخانه آستان قدس، مجموعه رسائل.

۲۴. همان مجموعه.

۲۵. سیدجلال‌الدین آشتیانی، شرح حال و آراء فلسفی ملاصدرا، ص ۲۱۸.

۲۶. حامد ناجی، مجموعه رسائل ملاصدرا، صفحه شانزده مقدمه.

۲۷. مجموعه رسائل فلسفی، حامد ناجی، صفحه ۱۷.

۲۸. کتابشناسی جامع ملاصدرا، انتشارات بنیاد حکمت اسلامی صدر، ص ۳۲۵.

۲۹. سوره احزاب، آیه ۷۲. ۳۰. اسفار، ج ۳، فصل ۲۸.

۳۱. تفسیر سوره پس، ص ۲۳۹، بیدار، اسفار.

۳۲. تفسیر سوره پس و سوره حدید، ص ۲۸/۷.

۳۳. کتابشناسی جامع ملاصدرا، بنیاد حکمت اسلامی صدر، صص ۳۳۱-۳۰۵.